

از بخارست چه مانده است؟

نوشته ماتی لیکیار دوبرول



مساحت موزهٔ لوور بنا شده است به صورت محوری است که یک جادهٔ پیروزمند به آن می‌انجامد. جاده‌ای که به گونه‌ای نامیون «پیروزی سوسیالیسم» نامیده شده است. پیروزی که به قول مردم هراس زده شهر - پیروزی بر بخارست است! چرا به جای یک ناحیهٔ ناسکون این محله را انتخاب کردند؟ نیکولای اسیبورگا (۱۸۷۱ تا ۱۹۴۰) مورخ بزرگ رومانی سالها قبل به این سؤال پاسخ داده است که: «هر کس که شهری را فتح می‌کند در درجهٔ اول مرکز سمبولیک قدیمی را نابود می‌نماید و مرکز دیگر و عامل دیگری به جای آن می‌گذارد.

چائوسکو یا دست‌زدن به این اقدام ویرانگر به احتمال فراوان سرشار از میل طبیعی دیکتاتورها به ضبط و بازنگاری تاریخ کشور به سود خود بوده است. میل به زدودن آثار و خاطرهٔ

بخارست، شهر تضادها، تلاقیگاه تمدن روم شرقی و غرب اروپا، شاهد عبور امواج پیاپی فاتحان عثمانی، روس و آلمانی بوده و بارها ضایعه‌های طبیعی همچون زمین‌لرزه و آتش‌سوزی به خود دیده است. اما توانسته بود تعداد کمی از بناها - کلیسا، صومعه و قصر - را که بی‌مانندی آنها سبب پیلار رفتن ارزش تاریخی و فرهنگی شهر است، حفظ کند. شبکهٔ خیابانهای مرکز تاریخی آن هم، که اطراف آنها پرشیده از بناهای قرنهای ۱۷ و ۱۸ بود، تا سال ۱۹۷۷ حفظ شده بود.

خشم ویرانگر دیکتاتور رومانی بر این بازمونده‌های تاریخی نفیس که در محله‌های اورانوس و آکارتسی شمرکز یافته‌اند، فرود آمد که به جای آن یک «خانهٔ ملت» غول‌آسا برای هیئت دولتی خود ساخت. این «خانه» که در مساحتی چهار برابر

ماتی لیکیار دوبرول، محقق رومانیایی و مدرس استثنای معماری بخارست، او چنین کتاب و مقاله در سراسر نقاط سکونی شهری نوشته است.

در روزگار پیش از جنگ جهانی اول، بخارست یکی از مراکز مهم اقتصادی و فرهنگی رومانی بود. این شهر با داشتن بناهای تاریخی و فرهنگی فراوان، یکی از زیباترین شهرهای رومانی محسوب می‌شد. اما در جریان جنگ جهانی اول، این شهر به شدت آسیب دید و بسیاری از بناهای تاریخی آن تخریب شدند. در سال ۱۹۷۷، رژیم کمونیستی رومانی تصمیم گرفت تا این شهر را به کلی ویران کند و آن را به یک شهر جدید تبدیل کند. این کار با تخریب بناهای تاریخی و ساختن یک شهر جدید با نام «خانهٔ ملت» انجام شد. این کار باعث شد تا بسیاری از آثار تاریخی بخارست از بین برود و شهر به کلی تغییر ماهیت دهد.

یک گذشته افتخارآمیز در جهت بزرگ نمودن قدرت شخصی خود و واداشتن مردم به پرستش شخصیت ایشان. کار ویرانگری با اخراج اجباری بیش از ۴۰ هزار نفر آغاز شد. این کار با قدرت نظامی، و گاهی در بیست و چهار ساعت و بدون جبران خسارت انجام گرفت (ابالغ اندکی هم که بعداً به عنوان جبران خسارت پرداخت شد حتی کفاف خرج اسباب - کشتی را نداد). آنان را در بناهای ناتمام شهر سکنی دادند. این امر چه مرگها و خودکشیها به دنبال داشت.

ساختمان «مرکز غیرنظامی» تازه همچنین سبب ویرانی کاخ ایسیلانی شد که در ۱۷۷۶ ساخته شده بود، و نیز بیمارستان برینکونسک که از بناهای تاریخی قرن ۱۸ بود. هجده کلیسا و صومعه تخریب گردید و هشت کلیسای دیگر، مثل کلیسای میخائیل - وودا، که در قرنهای ۱۶ و ۱۷ ساخته شده اند، به محله‌های بسته، پشت ردیف ساختمانهای بلند مسکونی منتقل شدند.

عملیات مشابهی در نقاط مختلف بخارست انجام گرفت و به جای آنها به اصطلاح «آثار بزرگ» پر بسا شد. چنانکه بخش عمده‌ای از محله استیری - وودا قربانی موزه تاریخ شد که در کنار یک میدان رژه قرار دارد. همچنین «ادگانه» جدید و «تالار بزرگ کنگره» (۳۰ هزار صندلی) بر روی صومعه و آکاردستی ساخته شد که یک مجموعه نادر الوجود قرن ۱۷ بود. به بهانه مسئله رفت و آمد اتوبوس برقی، مترو و اتوبیلهها

مناطق گسترده محدوده مرکزی شهر را صاف کردند و توانستند رکورد دشوارتر کردن امر ترافیک را به دست آورند زیرا که ترافیک به خیابانهای منتهی شد که به هیچ جا راه نداشتند و نیز به چهارراههایی که عبور از آنها غیرممکن بود.

عملیات «مرکز غیرنظامی» شکست طرح «شهر تازه» بخارست را که از چهل سال پیش آغاز شده بود، تکمیل کرد. بر اثر این کار تعداد خوابگاههای پادگانی در حومه شهر، که در آنجاها کمبود و نقص وسایل رفت و آمد عمومی به صورت کابوس درآمد است و فقدان تجهیزات بهداشتی، فرهنگی و ورزشی رقت‌آور است، افزایش یافت. این شهر تازه، آکنده از دهشت و زشتی، بناگردد به نوعی «سیستانیزه کردن» انجامید عنوان محترمانه‌ای که برای ویران شدن مناطق روستایی پیرامون شهر به کار می‌رود.

برای جبران این همه اشتباه چه باید کرد؟ از کجا باید آغاز کرد، و با کمک کی؟ متأسفانه چنین اشتباهات و خسی در همه زمینه‌ها روی داده است - اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - که هر یک دارای عوارض انسانی و مادی سنگین است. کارهایی که باید انجام گیرد بسیار بزرگ هستند. اما دست کم یک نکته مطمئن خدشه‌ناپذیر وجود دارد: بایستی هر گونه تمایل به استبداد را از میان برد - و با هر وسیله ممکن، تأسیسات دموکراتیک را تقویت کرد.

ترجمه ع. بیرونند

گنیتالی

صفحه مقابل، ساختمان عظیم «خانه ملت» که بر روی ویرانه بخارست کهن قد برافراشته است.

پایین، کلیسای مونیسپالارا که در میان ردیف بلند خانه‌ها گم شده یکی از معدود آثار تاریخی است که در بخارست باقی است.



یک گنبد افشار آمیز در جهت بزرگ نمون قدرت شخصی خود و واداشتن مردم به پرستش شخصیت ایشان. کار ویرانگری با اخراج اجباری بیش از ۴۰ هزار نفر آغاز شد. این کار با قدرت نظامی، و گاهی در بیست و چهار ساعت بدون جبران خسارت انجام گرفت (مبالغ اندکی هم که بعداً به عنوان جبران خسارت پرداخت شد حتی کفاف خرج اسباب-کشی را نداد). آنان را در بناهای ناتمام بیرون شهر مسکونی دادند. این امر چه مرگها و خودکشیها به دنبال داشت.

ساختمان «مرکز غیر نظامی» تازه همچنین سبب ویرانی کاخ ایسپلانادی شد که در ۱۷۷۶ ساخته شده بود، و نیز بیمارستان برینکوونسک که از بناهای تاریخی قرن ۱۸ بود. هجده کلیسا و صومعه تخریب گردید و هشت کلیسای دیگر، مثل کلیسای میخائیل - وودا، که در قرنهای ۱۶ و ۱۷ ساخته شده‌اند، به محله‌های بسته، پشت ردیف ساختمانهای بلند مسکونی منتقل شدند.

عملیات مشابهی در نقاط مختلف بخارست انجام گرفت و به جای آنها به اصطلاح «آثار بزرگ» برپا شد. چنانکه بخش عمده‌ای از محله استیری - وودا قربانی موزه تاریخ شد که در کنار یک میدان رژه قرار دارد. همچنین «دادگاه» جدید و «تالار بزرگ کنگره» (۳۰ هزار صندلی) بر روی صومعه واکارستی ساخته شد که یک مجموعه نادر الوجود قرن ۱۷ بود. به بهانه مسئله رفت و آمد اتوبوس برقی، مترو و اتومبیلها

مناطق گسترده محدوده مرکزی شهر را صاف کردند و نتوانستند رکورد دشوارتر کردن امر ترفیق را به دست آورند زیرا که ترفیق به خیابانهای منتهی شد که به هیچ جا راه نداشتند و نیز به چهارراههایی که عبور از آنها غیر ممکن بود.

عملیات «مرکز غیر نظامی» شکست طرح «شهر ساز» بخارست را که از چهل سال پیش آغاز شده بود، تکمیل کرد. بر اثر این کار تعداد خوابگاههای پادگانی در حومه شهر، که در آنجا کسود و نفس وسایل رفت و آمد عمومی به صورت کاپوس درآمده است و فقدان تجهیزات بهداشتی، فرهنگی و ورزشی رفت‌آور است، افزایش یافت. این شهر تازه، آکنده از دشت و زشتی، بناگزیر به نوعی «سیستانیزه کردن» انجامید. عنوان محترمانه‌ای که برای ویران شدن مناطق روستایی یرامون شهر به کار می‌رود.

برای جبران این همه اشتباه چه باید کرد؟ از کجا باید آغاز کرد، و با کمک کسی؟ مسأله‌ها چنین اشتباهات و خبی در همه زمینه‌ها روی داده است - اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - که هر یک دارای عوارض انسانی و مادی سنگین است. کارهایی که باید انجام گیرد بسیار بزرگ هستند. اما دست کم یک نکته مطمئن خدش‌ناپذیر وجود دارد: بایستی هر گونه تعالیب به استبداد را از میان برد - و با هر وسیله ممکن، تأسیسات دموکراتیک را تقویت کرد.

ترجمه ع براتوند

گمینا

۲۷۷
۱۳۳۲
شماره ۱۱۱
مهر ماه

صفحه مقابل، ساختمان عظیم «خانه ملت» که بر روی ویرانه بخارست کهن قد برافراشته است.

بایین، کلیسای دو مینا بالا را که در میان ردیف بلند خانه‌ها گم شده یکی از معدود آثار تاریخی است که در بخارست باقی است.

